



وحدت

انگشت

الگوهای چهارگانه وحدت اسلامی و نظریه میرزا خلیل کمره‌ای

غلامرضا جلالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

درآمد.....	۷
میرزا خلیل کمره ای کیست.....	۱۹
تلاش در راه همگرایی اسلامی.....	۲۱
کمره ای و الگوی همگرایی اسلامی.....	۲۷
اسرار حج.....	۳۲
نتیجه.....	۳۶
پی نوشت ها.....	۳۷

درآمد

بی گمان، اسلام از سویی پیوندهای خونی و نژادی را ملاک وحدت جامعه های انسانی ندانسته و پایه وحدت را بر اصل توحید بنیاد نهاده است و از سوی دیگر تفرقه و پراکندگی ناشی از گستردگی جغرافیایی و گوناگونی سرزمینها، فرقه گرایی، جوراجوری دیدگاه های صاحب نظران در مباحث عقلی، کلامی، فقهی و عرفانی، فرهنگ ها و سنتهای داخلی و چالشهای بی سابقه با سکولاریسم و فرهنگ های مصرف گرای خارجی، ویرانیهای افزون از حدی را بر بدنه جامعه های اسلامی تحمیل کرده است.

با این حال، هر مسلمانی آرزو دارد آتش جنگ و نفاق از میان آنان برداشته شود و در سایه وحدت اسلامی خود، از اقتدار برخوردار شوند.

بر این اساس، طرح نظریه وحدت و ارائه الگو برای به حقیقت پیوستن آن از اهمیت راهبردی برخوردار است. در حقیقت نظریه پردازی برای وحدت اسلامی نظریه پردازی برای دستیابی به توسعه و هویتاسلامی و بازگردانی استیلای اسلام است. یکی از مسائلی که توجه بیش تر این نظریه پردازان را به خود معطوف کرده است، دلایل استیلای غرب و مناسبات قدرتهای خارجی با کشورهای اسلامی و نفوذ آنها از راه های مالی و اقتصادی و راه های جلوگیری از این سلطه گری بوده است.

اهمیت نظریه پردازی در حوزه وحدت وقتی بیش تر آشکار می شود که بدانیم در مطالعات مدرن، آثاری چون اسلام ها و مدرنیته ها (۱۹۹۳) نوشته عزیز العظمه، در میان روشنفکران کارهایی شالوده شکنانه تلقی می شود؛ چون این نوع مطالعات به طور کلی منکر نقش اسلام و یا حتی توانایی آن به عنوان یک آیین وحدت بخش است.

العظمه، از قائل شدن به اسلام به عنوان مقوله وحدت بخش به لحاظ تاریخی یا فرهنگی، سرباز می زند. از نظر او چنین مقوله ای مبتنی بر گفتمان ماهیت باورانه ای است و تصوراتی از خصایص ثابت شرقی را دامن می زند. چون از نظر وی ماهیت باوری به درون مطالعات اسلامی راه یافته است.

(۱) در برابر تلاشهای بیگانگان یا عناصر متعصب که به جدایی مسلمانان دامن زده اند، مصلحانی نیز در جهان اسلام به همگرایی مسلمانان با یکدیگر توجه نشان داده اند. هرچند الگوهای همگرایی که آنان ارائه داده اند، متفاوت بوده و آثار گوناگونی نیز به دنبال داشته است. به

طور کلی نظریه پردازان وحدت را می توان به لحاظ سبک الگودازی به چندین گروه تقسیم کرد:

۱. **الگوی جامع سیاسی** : نمونه برجسته این جریان را می توان سید جمال اسدآبادی و شاگرد او شیخ محمد عبده دانست. این نظریه، بیداری مسلمانان و دستیابی به وحدت و کسب اقتدار سیاسی را در استبداد زدایی در درون ممالک اسلامی و همگرایی در مسائل سیاسی آنان در تعامل بین المللی می داند.

سید جمال الدین اسد آبادی را باید از پیشگامان همگرایی در جهان اسلام در سده اخیر دانست. سید جمال الدین، گام نخست را با نشر عروۃ الوثقی و پس از آن گامهای دیگری را با طرح مسأله اتحاد اسلام برداشت. و الگوهای دیگری از آن پس به وجود آمد. این پرسش برای همه آنان مطرح بوده است که عامل وحدت در جهان اسلام چیست؟ به بیان دیگر، چه عاملی سبب می شود که در جامعه اسلامی و در دارالاسلام با وجود تفرقه سیاسی، اختلافهای کلامی، تمایزهای قومی، با مفهوم پرننگی از وحدت امت اسلامی را در اذهان و رفتار مسلمانان شاهد باشیم؟

از نظر سید جمال الدین اسد آبادی، انحطاط جوامع اسلامی یک امر تاریخی و درونی است و استعمار علت مبقیه این انحطاط است، نه علت موجد. سید جمال الدین بنیادی ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی می دانست و با هر دو به شدت مبارزه می کرد. او مسلمانان را از رویکرد به سمت مکتبهای غربی پرهیز می داد و از ارزشهای دینی و اخلاقی اسلام و گسترش آنها

جانبداری می کرد. خرافه گرایی، تفرقه مسلمانان و نفوذ غرب را از دردهای جامعه اسلامی عصر خود می دانست. او تجهیز جامعه به علوم و فنون، بازگشت به اسلام نخستین، ایمان به مکتب، اهتمام به شرافت انسان، پرهیز از پیروی کورکورانه، تقلید از نیاکان و اندیشه های انتزاعی را توصیه می کرد.

سید جمال موجودیت ملتهای شرق را در کسب دانش می دانست. او به خدیو مصر تاکید داشت که مردم را باید درحکمرانی شرکت دهد و انتخابات عمومی برگزار شود. او در عروۃ الوثقی بارها به حکومت ایران و عثمانی و مصر تاخته است.

سید جمال الدین اسد آبادی، وقتی با توافق سلطان عبدالحمید عثمانی، انجمنی از روحانیان و دانشمندان شیعه مذهب ایرانی و غیر ایرانی برای به حقیقت پیوستن اتحاد اسلامی تشکیل داد، از میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی کرمانی و میرزا حسن خبیر الملک در ترویج اندیشه وحدت بهره جست.

(۲) ایشان، رساله هایی را به قلم این سه نفر خطاب به علمای جهان اسلام، به شهرهای تهران، کربلا، نجف، مشهد، اصفهان و بصره و شهرهای دیگر فرستاد تا پس از شرح اوضاع اسلام و ممالک اسلامی، آنان را به اتحاد فراخوانند.

در این انجمن، حدود ۴۰۰ نامه و رساله به تمام ممالک اسلامی که شیعیان در آن سکونت دارند فرستاده شد. شاهزاده ابوالحسن میرزا، معروف به شیخ الرئیس، نوه فتحعلیشاه قاجار را نیز به این انجمن

فراخواند و رساله اتحاد اسلام شیخ الرئيس قاجار در شمار این رساله هاست که پس از این جریان نوشته است. این رساله در زمان حضور ایشان در بمبئی به رشته تحریر در آمد.

(۳) سید جمال الدین، در کنار این اقدام مهم خود با آزادی خواهان مصر و سوریه و هند و ایران و عراق و آلبانی و تاتارهای روسیه جلسه هایی داشت و از آنان خواست تا در این کار و حرکت مهم او را یاری رسانند. سید برای دستیابی به اهداف خود متوجه توحید نظر علمای اسلام بود.

اتحاد اسلام، به دنبال تنظیم کمیته ای برای کمک به عثمانی ها بود. ولی سید جمال، از این تلاش گسترده بهره ای نبرد. او گرفتار بدگمانیها و سیاستهای مزورانه عثمانی ها در طرح اتحاد اسلام و پان اسلامیسیم و دسایس سلطان عبدالحمید شد و به سال ۱۳۱۴ هجری در غربت، جام شهادت را سر کشید و ترکیه به تدریج از مرکزیت جهان اسلامدر آمد.

۲. الگوی احیای اندیشه دینی : نمونه های گوناگونی را اندیشمندان اسلامی به عنوان الگوی احیای اندیشه دینی ارائه داده اند. از جمله می توان به الگوی اقبال لاهوری، بدیع الزمان نورسی و کاشف الغطا اشاره کرد. در این میان اقبال فریاد بلندی است که نمی توان او را از یادها برد.

از نظر او، اسلام توانست از قدرت دین در راه رشد نهاد عظیم جامعه استفاده کند. او غرب و بن بستهای آن را شناخت و آن را شناساند. او حضور استعمار روس و انگلیس را در جامعه های اسلامی لمس می کرد

و نمی توانست خواب زدگی مسلمانان را برتابد. منتقد شیوه زندگی مسلمانان بود و برای بیداری جامعه اسلامی کوشید تا ابعاد تفکر اسلامی را، که در طول تاریخ، به وسیله خدعه های سیاسی و یا گرایشهای ضد و نقیض تجزیه، از هم گسسته و قطعه قطعه شده است، بازسازی کند و در شاهکار خود «احیای فکر دینی در اسلام» آن را ارائه دهد. منظور ایشان خودشناسی و خودباوری و دستیابی به راه خروج از وضعیت کنونی جامعه اسلامی است. در عین حال، اقبال از بازگشت ارتجاعی به دیکتاتوری و استبداد دینی و تفتیش عقاید و جمود عقل و اسارت دانش در میان مسلمانان که بویژه در دوره عثمانی تجربه شد؛ بیمناک بود. او بر این باور بود که تقدیس تاریخ گذشته چاره ساز نیست. از نظر ایشان اندیشه ها در میان افراد ملتی که آنها را فرسوده کرده اند، هرگز نمی تواند دوباره نیرو بگیرد (۴) و نتیجه می گیرد:

«این افراد زنده هستند که می توانند عمق زندگی را آشکار کنند. این افراد را جهان بینی اسلامی می پروراند جهان بینی که «زیبایی»، «شکوه» و «هجوم» را یکجا در ذات خود دارد.»

(۵) اقبال سازماندهی های مبتنی بر نیازهای نهاد سیاسی را نیز کارساز نمی داند و معتقد است:

«سرنوشت نهایی یک ملت، بیش از آن که به سازمان بستگی داشته باشد، به ارزش حاکم بر مردم بستگی دارد»

از نظر ایشان در اجتماعی که به حد افراط دارای سازمان است، فرد خرد می شود و از اثر می افتد. (۶) به همین دلیل سخن گفتن

از اسلام کار مشکل است.

۳. الگوی فقهی: رویکرد مکتب فقهی آیت الله بروجردی و بعضی دیگر از فقهای اهل سنت، مانند شیخ محمود شلتوت، بازگشت به منابع مشترک عامه و خاصه است، راهی که تفاهم و همگرایی زیادی را می تواند در میان مسلمانان به دنبال داشته باشد.

آیت الله بروجردی معتقد بود:

«فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است.»

(۷) و می گفت:

«فقه قدمای ما ناظر به فقه اهل سنت و عامه بوده است.»

(۸) این مبنای ایشان به تعامل با جامعه الازهر و آن فتاوی تاریخی شیخ شلتوت، انجامید.

آیت الله بروجردی، روایات را ناظر به مسائل و انظار مطرح شده در زمان صدور آن می دانست و برای فهم درست، شناخت فتاوی عامه را در آن زمان -بویژه فتاوی که شهرت داشته و مردم از آنها پیروی می کردند - لازم می دانست و مراجعه به فتاوی اهل سنت را از مقدمات فقه می شمرد و می گفت:

«قدمای ما مسائل خلاف را حفظ داشتند.»

به همین منظور برای اولین بار کتاب خلاف شیخ را با حواشی و مقدمه مختصر چاپ کرد

(۹) گفته شده است این طرز تفکر را ایشان وامدار حوزه اصفهان و استاد خود محمدباقر درچه ای است. ریشه این تفکر در اصفهان، به زمان صفویه بر می گردد.

اندیشه اتحاد و توجه به فقه اهل سنت تا همین اواخر در حوزه اصفهان ادامه داشت. از جمله حاج آقا رحیم ارباب بر این باور بود. گویا شریعت اصفهانی، استاد دیگر آیت الله بروجردی نیز همین طرز فکر را داشت (۱۰) و دلیل می آورد که جامعه آن روزگار، جامعه ای با حکومت اسلامی و فتوای رایج مفتیان حکومتی مانند مالک، ابوحنیفه، اوزاعی و ابن ابی لیلی بوده است. اصحاب ائمه (ع) در همان جامعه رشد کردند و در محیطهای علمی آنان آمد و شد می کردند. راویان و اصحاب ائمه (ع) با توجه به آن فتاوا از امامان مسائل را می پرسیدند و آنان هم با توجه به آن فتاوا پاسخ می گفتند.

مؤید اول این مطلب این است که روایات شیعه به صورت پرسش از امامان است. معلوم است که مردم عادی نمی توانند این تعداد سؤال دقیق طرح کنند. پیداست که پرسش گران اهل علم بودند و مسائل را از فقهای اهل سنت می شنیدند و همان ها را از امامان عصر خود می پرسیدند.

مؤید دیگر این نظریه آن است که کشی در کتاب رجال خود زراره و محمد بن مسلم و شماری دیگر از فقهای اصحاب صادقین (ع) را از اصحاب ابوحنیفه دانسته، که سنی بوده اند و بر اثر ارشاد آن دو امام همام به تشیع گرویده اند.

وی عقیده داشت در استنباط هر فرع، چنانچه مستند آن روایت است، باید زمان صدور روایت از نظر وجود فقههای عامه و آرای آنان، بخصوص در مدینه و نیز از نظر تلقی که خود اصحاب و پرسش گران از آن فرع فقهی داشته اند و همان تلقی موجب پرسش از امام شده، به طور دقیق بررسی شود. این بررسی در کتابهای فقههای پیشین تا زمانهای بعد ادامه یابد. این مبنی و نگرش مستلزم تتبع زیاد در آرای عامه و کلمات آنان و نیز زمان بندی این آرا، بویژه در زمان صادقین(ع) است.

(۱۱) یکی از شاگردان آیت الله بروجردی می گوید:

«برای من مثل آفتاب روشن است که گاهی در ذهن اصحاب ائمه(ع) فقه عامه بیش تر از فقه خاصه جای گرفته بود و ائمه ناچار بودند که با زحمت، حق مطلب را در ذهن اصحاب خودشان وارد کنند. از باب نمونه زراره مسائل ارث را مطابق فقه عامه یاد گرفته بود و خود را آن چنان عالم به فرایض می دانست که اصلاً احتیاج نمی دید از ائمه این مسائل را بپرسد. وقتی فتوای امام را می شنود، ابتدا بی اعتنایی می کند، چون به خلاف معلومات او بوده است. حضرت در مقابل زراره عصبانی می شود که من مسائل ارث را از روی کتاب امیرمؤمنان(ع) به تو ارائه دادم. زراره از خواب غفلت بیدار می شود که معلوماتش درباره ارث بی اساس بوده است و از نو باید به فکر آموختن مسائل ارث باشد. این روایت در کافی و ظاهراً در تهذیب هم آمده است.»

(۱۲) در روایت دیگری محمد بن مسلم از امام صادق(ع) درباره مسافتی که منجر به قصر می شود، پرسید: «قال سألته عن التقصير، قال فی

برید. قلت فی برید؟“

(۱۳) آقای بروجردی مفصل بحث کرده که چرا محمد بن مسلم، با تعجب از امام پرسید که آیا یک برید حد تقصیر است. وی علت را این دانسته که او در کوفه زندگی می کرد و فقه عامه که در آن جا حاکم بود، حد تقصیر را «مرحلتان» یعنی شانزده فرسخ می دانست. وقتی امام گفت: چهار فرسخ برای او جای تعجب و سؤال بود.

حضرت فرمود: منظورم یک برید رفت و یک برید برگشت است که در مجموع هشت فرسخ می شود.

(۱۴) جهت دوم، تشخیص روایات تقیه ای است. همیشه تقیه در مقابل فقه و فقههای عامه نبوده، گاهی نیز در مقابل حکام و قضات حکومتها بوده است. مثلاً بیش تر فقههای عامه نبیذ را حرام می دانند، ولی چون حکام مشروب می خوردند، اگر روایتی در حلیت نبیذ داشته باشیم، ناظر به تقیه در برابر حاکمان ناصالح است.

(۱۵) آیت الله بروجردی، نه تنها به فتاوا و اقوال امامان چهارگانه آنان چیره بود که بر دیدگاه های صحابه و دیگر فقههای آنان چون اوزاعی، ثوری و لیث محیط بود و اختلاف نظرهای آنها را در یک مسأله می دانست. این چیرگی به گونه ای بود که شماری از فقههای اهل سنت، در دیدار با وی آن مرحوم را از خودشان به اقول و دیدگاه های علمای عامه مسلط تر می دیدند. (۱۶)

در طرح مسأله از بعد تاریخی، ابتدا آرای صحابه، تابعان و فقیهان پس از این دو دوره را به شرح بیان می کرد، آن گاه به آرای علمای شیعه می

پرداخت. گویی فقه و تاریخ و ادله آن در دست او چون موم نرم بود. وقتی درباره نماز دراماکن چهارگانه بحث می کرد، درباره حد حائر و سرگذشت غم انگیز این مرقد شریف در دوران خلفای عباسی به صورت مشروح سخن می گفت. او نه تنها در تاریخ عمومی اسلامی آگاهی کافی داشت، به تاریخ علم کلام، تاریخ حدیث و تاریخ فقه کاملاً مسلط بود.

(۱۷) ۴. **الگوی تاریخی:** ما می توانیم میرزا خلیل کمره ای را در شمار پایه گذاران این الگو بدانیم. او به نوسازی دست آوردهای تاریخی اسلام و سنتهای اسلامی باور داشت و می خواست بار دیگر روحی را که چهارده قرن پیش بر ریگستان سوخته حجاز وزید و آن صحرای خاموش را به حرکت در آورد، به جامعه خفته عصر خود بازگرداند و نشان دهد که اسلام، بر خلاف همه غفلتها و کژاندیشیها، هنوز می تواند منشأ خیزش جامعه باشد. ساختار گرای تاریخی، نامی است که ما می توانیم به الگوی پیشنهادی میرزا خلیل کمره ای بدهیم. الگوی ایشان به ساختارهای تاریخی نظام اسلامی دلالت داد و از مطالعات اسلامی عمیق ایشان در تاریخ اسلام سرچشمه می گیرد.

هرچند در روزگار ایشان بسیاری از بازدارنده ها و آسیبها دیده نمی شد و بسیاری از پرسشها هنوز شکل نگرفته بود. به همین دلیل خواهیم دید که برای ما روشن نیست آقای میرزا خلیل کمره ای چه اندیشه ای درباره وضعیت نابسامان تنوع فرهنگی در جهان اسلام، با توجه به الگوی خود می توانست ارائه دهد؟ یا چه پیشنهادی برای حل این معما داشته و یا روال مناسبات فراملی میان فرهنگ ها در خوشه

فرهنگی جهان اسلام چگونه خواهد بود؟ یا کدام سازمانها در سطح جهان اسلام عهده دار این برنامه ها خواهند بود؟

پذیرش الگوی ایشان، مشروط بر این است که آموزش چند فرهنگی در جامعه اسلامی برای پذیرش تنوع فرهنگی صورت گیرد. و مقررات نوع ارتباط با فرهنگ های محلی cultureFOLK و تکثرگرایی فرهنگی culturalismmulti وضع شود؛ چون مشخص کردن مرزها کار آسانی نیست.

میرزا خلیل کمره ای کیست

پیش از هر بحثی در معرفی دیدگاه علامه کمره ای، لازم است با شخصیت و جایگاه علمی و محیط فرهنگی که علامه میرزا خلیل (۱۲۷۷ - ۱۳۶۳ هـ ش) در آن رشد و نمو یافت و به شکوفایی رسید، آشنا شویم:

علامه میرزا خلیل، در دهکده فرنق، از توابع شهرستان خمین، در بخش کمره، متولد شد. پدرش، مشهدی ابوطالب، کشاورز و مادرش بی بی خاتون جان، خانه دار بود. وی در حدود شش سالگی خواندن و نوشتن را نزد عموی خود و سپس در مکتب خانه ده فراگرفت و در حدود دوازده سالگی برای ادامه تحصیل به سوی جاپلق و خمین و سپس خوانسار رهسپار گردید و علوم ادبی و مقدمات عربی را نزد ملا محمد بیدهندی، سید احمد بیدهندی و آقا سید احمد جاده ای (۱۸) و سایر اساتید فرا گرفت.

میرزا خلیل، در حدود سال ۱۲۹۶ شمسی برای ادامه تحصیل به مدرسه سپهدار در حوزه علمیه اراک (سلطان آباد) رفت و علوم فقه و اصول، منطق و مقداری حکمت و فلسفه در این حوزه فراگرفت. و نیز در دروس خارج فقه و اصول حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سایر اساتید شرکت جست. به سال ۱۲۹۹ شمسی به قم رفت و تا حدود سال ۱۳۱۴ شمسی در حوزه علمیه قم به تحصیل و تعلیم مشغول بود. اساتید عمده وی در قم، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم)، میرزا علی اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم، میرسید علی یشربی کاشانی و میرزا جواد ملکی تبریزی بودند. میرزا خلیل، پس از پیمودن این مراحل و فراگیری دانشهای دینی، به تدریس سطوح، تفسیر، فلسفه و نیز علوم هیئت قدیم و تشریح الافلاک و هندسه اقلیدسی و خلاصه الحساب شیخ بهایی پرداخت.

از افرادی که در قم در دروس وی شرکت کردند، می توان از سید مرتضی عسگری، مرتضی حائری یزدی؛ سید مرتضی برقی؛ حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی (۱۹) و سید محمود طالقانی نام برد. بیش تر این چهره ها شاگردان معقول ایشان به حساب می آمدند.

میرزا خلیل، با نظریات فلاسفه قدیم آشنایی دقیق داشت.

معروف ترین کتابهای ایشان، افق وحی، آسمان و جهان، قبله اسلام - کعبه یا مسجد الحرام علی و الزهراء سرچشمه آب حیات، عنصر شجاعت یا هفتاد دو تن و یک تن، بیت المقدس و تحول قبله و فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی است.

تلاش در راه همگرایی اسلامی

مهم ترین و برجسته ترین کار کمره ای تا پایان عمر، تلاش در جهت اتحاد مسلمانان جهان و به تعبیر خودش «توحید کلمه برای کلمه توحید» بوده است. میرزا خلیل، معتقد بود وظیفه اصلی روحانیت، پرداختن به امور معنوی است؛ از این روی، وی را نمی توان یک سیاستمدار و یا فعال سیاسی نامید، اگرچه پاره ای از فعالیت هایش جنبه سیاسی و اجتماعی به خود می گرفت.

کمره ای، از هر فرصت و مجالی برای اتحاد مسلمانان بهره می برد. در گزارشی که سفر نخست خود به حج، به سال ۱۳۳۷ هـ ش. ارائه می دهد، این فرصت شناسی را می توان دید. در دیداری که از روی اتفاق، با ولیعهد پادشاه سعودی صورت می گیرد، از

مصائب ایرانیان در حجاز سخن به میان می آورد.

و نیز در نامه ای به تاریخ ۱۶ شعبان ۱۳۸۴ به ملک فیصل بن عبدالعزیز آل سعود، پادشاه عربستان، مطالب مهمی را به وی یادآور می شود و از وی می خواهد دستور دهد تا فقه جعفری در دانشگاه مدینه تدریس بشود. (۲۰)

ایشان در این نامه سه جریان را عامل فاجعه افتراق می داند:

۱. تربیت متعارض نسل جدید

۲. نعره قومیت و عربده های نژادی حکام و سلاطین

۳. اختلافات مذهبی که منشا آن فقها هستند. (۲۱)

در کنار این تلاشها، میرزا خلیل از اقدام عملی نیز غافل نماند. به سال ۱۳۳۱ شمسی، همراه آقایان: سید محمود طالقانی، حاج آقا رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی در کنفرانس بین المللی شعوب المسلمین در کراچی شرکت کرد. در یکی از روزهای کنفرانس، وی به ریاست کنفرانس برگزیده شد و در مورد اتحاد اسلامی بین المللی و کشورهای مسلمان، به سخنرانی پرداخت و سال ۱۳۳۸ شمسی، بنا به دعوت مؤتمر عالم اسلامی که در کشور اردن هاشمی تشکیل شده بود، همراه سید محمود طالقانی، به اردن رفت. در همین جا بود که از شیخ محمود شلتوت، مفتی اعظم و رئیس دانشگاه الازهر مصر به خاطر فتوای تاریخی اش مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه دوازده امامی، تشکر کرد. در این سفر به بیت المقدس رفت و از آن جا بازدید کرد.

به سال ۱۳۴۳ شمسی، میرزا خلیل کمره ای پیامی برای ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی فرستاد که ضمن اظهار نگرانی از تفرقه انگیزیهای قومی و نژادی، از وی خواست که وسیله تفاهم و تقریب بین فقههای مذاهب اسلامی را فراهم آورد.

وی کتابی را به عربی با عنوان «ارض النبوه جسر عظیم» (سرزمین نبوت پل بزرگ) نگاشت و به ملک فیصل تقدیم کرد و کوشید وظیفه ایشان را در تحکیم مبانی اتحاد مسلمانان تبیین و او را متقاعد سازد که در ساختن این پل بزرگ، نباید از معارف امام علی(ع) غفلت ورزد.

در همین سال و در پاسخ به علمای کردستان ایران، میرزا خلیل ضمن بررسی دوران حیات و رهبری خلفای سه گانه راشدین، نتیجه گرفت که ایشان از صحابه و یاران پیامبر اسلام بودند و پیامبر اسلام هیچ گاه به آنان توهین نمی کرده است. از این روی، اهانت به خلفای سه گانه راشدین را جایز نمی دانست.

او به نامه ندوة العلما لکهنو هند پاسخ داد. این مدرسه را شبلی نعمانی (۱۸۵۷ - ۱۹۱۴ م) که خود تحت تاثیر سر سید احمد خان (۱۸۱۷ - ۱۸۹۷ م) قرار داشت، تأسیس کرده بود و نامه را ابوالحسن علی حسنی ندوی امین عام این مدرسه به مناسبت سپری شدن ۸۵ سال از تاسیس آن در تاریخ شوال ۱۳۹۵ ق / ۱۳۴۵ ه ش نوشته بود. ایشان در رجب ۱۳۹۵/۱۳۴۵ ه ش خطاب به دبیر کل کنگره اسلامی هند - لکهنو که در تجلیل از علامه سید عباس رضوی برگزار گردید؛ یادآور شد:

«باید وحدت کلمه بسیار مورد اهتمام باشد و طوری نشود که

شکاف در پوسته جامعه اسلامی فراهم آید و میکروب وارد آن گردد. تفرقه ها سبب مداخله بیگانگان می گردد و آنها سوء استفاده می کنند.“ (۲۲)

در تابستان ۱۳۴۸ شمسی، میرزا خلیل نامه سرگشاده ای با عنوان «فتح بی غرور» به ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت ایالات متحده نگاشت و ضمن تبریک فتح کره ماه و تحقق وعده قرآن، از وی خواست که به شکرانه این که این فتح آسمانی در زمان خدمت او انجام پذیرفته است، به گرسنگان و آوارگان جهان عموماً و بخصوص به دو میلیون مسلمان آواره عرب در خاورمیانه که بیست سال است آواره و در به درند، اجازه دهد به خانه و لانه و آشیانه خود برگردند، تا فتح دژ آسمان، فتحی همه جانبه باشد. (۲۳)

در پایان این سال و آغاز فروردین ماه ۱۳۴۹ شمسی، میرزا خلیل ضمن شرکت در کنگره جهانی هزاره شیخ طوسی در مشهد، علاقه و اصرارش را برای اتحاد مذاهب اسلامی در این جمله خلاصه نمود: «امروزه هر شیعه ای سنی و هر سنی شیعه است».

کمره ای دیدارهای گوناگونی با سید جعفر رائد، سید حمزه غوث از وابستگان سیاسی کشور سعودی و شیخ حسن بن عبدالله آل شیخ وزیر سعودی داشت. ایشان با شیخ محمد بن ناصر عبودی، دبیر کل دانشگاه اسلامی مدینه در تهران در ۱۳۵۱/۱/۱۵ دیدار کرد و در پیام رابطه اسلامی مکه و در مؤتمر و کنگره قاهره و اسکندریه اعلان کرد: «این وضع ناهنجاری که بین دول اسلامی وجود دارد، کار به جایی

رسیده که سیاستهای انتقام جویانه نسبت به یکدیگر اتخاذ می کنند و این امر جوی ایجاد می کند که بیگانگان از آن بهره برداری می کنند و هدف آن متلاشی کردن عالم اسلامی است.

اهمیت حفظ وحدت برای ایشان در حدی بود که در کتاب: «رسالتی الی الشیخ الاکبر محمد بن ابراهیم المفتی الاعظم الاکبر» که از سوی دار رابطه العالم الاسلامی چاپ و در ایران ترجمه آن در ضمن خمس رسائل فی الحج و القبلة، منتشر شد، از ضرورت اقتراحی در این رابطه سخن به میان آورده است. یک بار هم این اقتراح را با مولانا عبدالمجید، مدیر مجله اسلامیک رویو، در مسجد بولینگ لندن در میان گذاشت تا در مجله خود منتشر کند.

میرزا خلیل، به ریشه یابی تاریخی جداییها و ناسازگاریها، بویژه برخوردیهای دوره صفویه تا زمان نادرشاه، میان ایران و عثمانی، توجه داشت و از اثرگذاری این برخوردهای تاریخی در داوری های کنونی غافل نبود. (۲۴) او از دشمنان بی حد و حصر مسلمانان در همه جا و نیاز آنها به وحدت با توجه به آموزه های تاریخ سخن می گوید. (۲۵) از نظر او تنوع در جهان اسلام از چند چیز سرچشمه گرفته است:

۱. تمایز میان شریعت، طریقت و حقیقت.

۲. تسنن و تشیع.

۳. منازعات عقلی و کلامی. اسلام سده های درازی است که یکی از غنی ترین لغتهای عقلی جهان را پدید آورده است.

۴. درست آیینی و کج آیینی.

۵. تمایز مناطق فرهنگی عربی، فارسی، آفریقایی، ترک، شبه قاره هند، مالایایی و مناطقی مثل چین، اروپا و آمریکا.

در نوروز سال ۱۳۵۶ شمسی، بنا به دعوت شیخ احمد کفتارو، مفتی اعظم کشور سوریه به دمشق عزیمت کرد و در جامع ابی النور درباره اتحاد مسلمین جهان سخنرانی کرد.

در شروع انقلاب اسلامی، همراه سید محمود طالقانی در راهپیمایی عظیم روز تاسوعا برای دستیابی به اهداف و شعارهای انقلاب مردم؛ یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» شرکت کرد.

در شهریور ۱۳۵۹ پس از آغاز جنگ توسط صدام حسین و حمله نظامی به «خاک مقدس وطن»، میرزا خلیل با نوشتن مقاله مبسوطی در روزنامه اطلاعات، تحت عنوان «این ننگ را عرب به کجا می برد؟» از موضع بر حق ایران، دفاع کرد. (۲۶)

میرزا خلیل، دَمَادم هشدار می داد و گرفتاریهای جهان اسلام را بازگو می کرد و از این که در این هنگامه و گرداب بزرگی که مسلمانان در آن گرفتار آمده اند، کسانی دشمن اصلی و ویران گریها او را نمی بینند و به اختلافهای جزئی دامن می زنند، و راه را بر استعمارگران باز می کنند، سخت برمی آشفست.

کمره ای و الگوی همگرایی اسلامی

کمره ای ضمن تایید این نکته که وحدت مشهودی در تمدن اسلامی وجود دارد، با تشریح اوضاع سیاسی کشورهای اسلامی روزگار خود، پیشنهاد می کند در چنین شرایط نگران کننده ای تنها محوری که می تواند وحدت را برای مسلمانان امکان پذیر کند، حمایت از دو عامل اصلی وحدت در میان مسلمانان، یعنی قرآن و سنت است. این دو منبع بر سر آموزه ها و عناصر اصلی دین، توحید، نبوت و معاد تاکید دارند.

او در کنار دو عامل یاد شده، روی شریعت و مناسک دینی در جهان اسلام بسیار تاکید دارد و معتقد است این مناسک، در تامین وحدت جامعه بسیار اهمیت دارند. او عنصر «قبله» را نیز در تامین وحدت بسیار مهم می داند و یادآور این امر به

پشتیبانی فرمانروایان مسلمان نیاز دارد. آنان لازم است حیات خود را چونان حیات امت واحده تلقی کنند. (۲۷)

از نظر آقا میرزا خلیل کمره ای، تعدد پرچم های ملل اسلامی، نه تنها به امر وحدت زیان نمی زند؛ بلکه نافع تر است، به شرط این که مؤید یکدیگر باشند و به هم کمک کنند. (۲۸)

«چون یک پرچم از یک رای حکایت دارد و یک صدا شمرده می شود و در جامعه ملل نفعی ندارد، هر چند تعداد نفرات مجتمع در آن زیاد باشد.»

او از سخن پیامبر در این باره استفاده می کند که فرمود:

«انی اباهی بکم الامم بکثرتکم»

پس پرچم های زیاد از کثرت آرا حکایت دارد. غرض این است که مبادی باید وحدت باشد و اصول حاکم وحدت داشته باشد؛ اما کثرت عناصر و رنگها و زبانها و نژادها و ملیت ها با وحدت اسلامی سازگاری دارد. (۲۹)

ایشان از امت اسلامی می خواهد تا جایگاه ملتهای اسلامی را در دوره نخست ببینند که چگونه پیامبر اکرم، با به اطاعت و الفت خواندن آنها وحدت را میان آنان رقم زد و نعمت را در میان آنان به فزونی رساند. از این راه اسباب عزت و عافیت و تفرقه و انحطاطشان را بیابند. (۳۰)

راه حل فوری او برای دستیابی به وحدت، استفاده از قدرت سیاسی

(فرمانروایان مسلمان) و قدرت معنوی (علما و فقها) جهت رفع اختلافات و توهمات است.

(۳۱) ایشان راه تفاهم فقها را گردش در بلاد اسلامی و دیدار از یکدیگر می‌داند. (۳۲) ایشان تبادل دانشجویان و طلاب دردرس فقه را برای حل اختلافات مذهبی پیشنهاد می‌کند. (۳۳) این امر از نظر ایشان موجب خواهد شد تا تنفر و وحشت از یکدیگر کم گردد و بدانند که فقه اسلامی در همه مذاهب، مقتبس از کتاب و سنت است.

الگوی کمره‌ای در وحدت اسلامی، برگرفته از عناصر وحدت در تفکر اسلامی است، اعم از مباحث توحید و نبوت و معاد و مناسک و شعائری چون حج، قبله و اذان و بازگشت به تاریخ اسلام و احیای شاخصه‌های وحدت در صدراسلام و دوره نبوی است.

ایشان معتقد است بازگشت به تاریخ، مسلمانان را از افراط و تفریط باز خواهد داشت و وحدت در چنین شرایطی شکل پیدا می‌کند.

در الگوی ایشان، عالم اسلامی یک حقیقت یکپارچه در نظر گرفته شده است. با این حال، تفاوتها، یک امر طبیعی تلقی شده است و عوامل تفرقه را تهاجم قدرتهای سیاسی خارجی و سوء مدیریت نظامهای سیاسی و فرهنگی داخلی می‌داند.

از نظر ایشان، ریشه‌های عزت اسلامی را در حج و قبله باید جست. این دو از نعمتهای بزرگ الهی در گردهمایی بزرگ امت اسلامی هستند. مسلمانان هر روزه خود را برای ورود به سپاه حج و قبله مهیا می‌کنند. و در سپاه محمد (ص) در می‌آیند و تحت امر او، و آموزه‌های او در راه

امن دنیا آرایش خود را هر روزه نشان می دهند. (۳۴) به همین دلیل نیابت در استقبال از قبله مادامی که انسان مکلف زنده است، پذیرفته نیست و خود فرد باید این وظیفه را به عهده گیرد.

مکه و مدینه، قلب حیات اسلامی و وحدت مسلمانان است و لذا پیشنهاد می کند در همه مراکز تاریخی این دو شهر، علامتها و تابلوهایی نصب شود و گذشته را به مسلمانان یادآور شوند. وقتی این نشانه ها نصب نشود، زائرین سرزمینهای گوناگون، بیابانها و کوه های این دو شهر را مثل بیابانها و کوه های شهرهای خود خواهند یافت و تفاوتی برای آن قائل نخواهند شد.

(۳۵) ایشان پیشنهاد می کند در نواحی بقیع، الواحی نصب شود که مجد و بزرگواری مدفونین آن را گوشزد کند. (۳۶) با این الواح مسلمانان از افراط و تفریط پرهیز خواهند کرد.

نقش این الواح آن خواهد بود که این ناحیه مقدس نقش و حیانی خود را در همه کره زمین به عهده خواهد داشت، چون خدا خانه را منشأ قیام برای مردم قرار داده است.

او در حج ۱۳۸۲ ه به این فکر دست یافت. او از تأمل در این دوشهر نتیجه گرفت که این عمل در بردارنده کلید امن جهان و مجتمع و موجب همدلی نیروهای اسلامی خواهد بود، تا نسبت به هم معاضدت داشته باشند. اگر در این امر غفلت شود به فساد در امور مسلمانان خواهد انجامید. اهمیت این دو شهر از آن جهت است که پر از خاطره هاست.

لازم است اشعه وحی از بیت الله الحرام به همه جای دنیا برسد و خلعتی آسمانی بر خانه خدا پوشانده شود و سرزمین وحی نیز مانند آسمانش منبع الهام و وحدت بخش باشد. (۳۷) اگر قبله و مکه، اشعه پنهان در خود را منعکس نکند، دنیا به امن نمی رسد به این دلیل باید منطقه وحی، حتی کوه ها و رملها و مردگان و زندگانش و زمین و آسمانش لب به سخن باز کنند. (۳۸) و مردم این رابطه را به دورترین سرزمینها ببرند.

اهمیت الگوی ارائه شده از سوی ایشان، موجب شده است تا چند اثر علمی او به گونه ای به مکه، مدینه، قبله و مسائل حج مربوط شود:

قبله اسلام.

کعبه یا مسجد الحرام.

بیت المقدس و تحول قبله.

آفاق کعبه.

نهیب پیغمبر(ص) به ملوک و امراء و فقها و علما از خیف منی.

کلید امن جهان (شرح خطبه حجةالوداع) ، تکمله آن: کلید امن دنیا.

رساله مناسک و مسائل حج و عمره.

ندایی از سرزمین بیت المقدس (سفرنامه مؤلف به مؤتمر اسلامی اردن).

اجتماع پیرامون خانه تقدس (مقاله ای در مجله دین در عرص دانش).

اسرار حج

ایشان این امر بدیهی و در عین حال فراموش شده را به زمامداران مسلمان یادآور می شود که خانه خدا از سازمان ملل برای ایجاد وحدت شایسته تر است. قبله مسلمانان می تواند به خانه امن امتهای و دولتها تبدیل شود و همه انسانها با تمسک به این قبله از حقوق برابر برخوردار باشند و هیچ تبعیض نژادی و جنسی و یا مذهبی معنی نداشته باشد. (۳۹) و خدا نشر چنین اندیشه ای را از این خانه اراده کرده است.

او یادآور می شود: پیامبر از کوه صفا خطاب به انصار فرمود: «المحیا و المحیاکم و الممات ممانکم» من آرزو دارم حیات و ممات من مثل حیات و ممات شما باشد. او مردم را برازنده چنین لطفی دانست. این جمله

چنان برای مردم شورانگیز بود که طوفانی از احساسات را میان آنان به وجود آورد. پیامبر آغوش باز کرد و آنان را در آغوش خود گرفت و همه به گریه افتادند.

پیامبر که به جنت لقا می‌اندیشید، نسبت به مردم مدینه چنان اظهار محبت می‌کرد و زندگانی و مرگ با آنان را آرزو می‌کند.

کمره‌ای، این امر را برازنده‌ترین حالت می‌داند و توصیه می‌کند باید در دیدار از مدینه این شوریدگیها دیده شود درغیر این صورت، دولت حجاز به آینده مسلمانان ستم کرده و می‌خواهد تا این برق‌های درخشنده خاموش نگهداشته شود.

(۴۰) او یادآور می‌شود: روز فتح مکه چگونه پیامبر از قریش خواست تا خواسته دل‌شان را با او در میان بگذارند و آنان را برخلاف جفای‌شان مورد عفو قرار داد و صحنه قتال و تلاقی را به صحنه لقا و وصال تبدیل کرد و عشق و صفا بر مسجد الحرام و مکه سایه افکند. (۴۱) سلمان فارسی از رامهرمز یا جی در این سرزمین کنار بلال حبشی و صهیب رومی گرد آمدند.

(۴۲) و نتیجه می‌گیرد: قبله دارای سرّ بزرگی است و حاکی از این است که انسانها در این محل، خود لازم است فرمانی را دریابند و سخنان خود را بگویند. محبوب آن جاست. جهت قبله، قطب جهانی است از بدایت تا نهایت که نعش انسان را روبه آن می‌شویند و او را رو به قبله دفن می‌کنند.

«و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول».

(۴۳) از نظر میرزا خلیل در قبله، آن چه مورد توجه است، خانه نیست، حرم و بلدامین است که جهت آن کعبه می باشد. پس مقصد نهایی سنگ و گل نیست، سرّ مرموزی است که در آن نهفته است. (۴۴) مراد انتظام الهی است که تشریع شده و مقررات امن و امانی است که به دست معلم الهی بشر وضع شده است. (۴۵) قبله عمل ماست، نه اسم خانه؛ اما چون عمل باید به سمت بیت الله الحرام باشد، کم کم اسم عمل بر خانه گذاشته شده است. (۴۶)

پس قبله، طرز ایستادن و رو به رو شدن با چیزی است که با حضور ذهن انجام می گیرد.

قبله، رفتاری آگاهانه و خبردارانه است با همه اعضا و اندام.

پس قبله، اقبال کردن به چیزی است. در قبله حضور ذهن شرط است.

(۴۷) قبله، الهام بخش و منبع الهام و مصدرِ سروش است. جمعیتِ هواخواه خود را روزانه پنج نوبت حاضر و غایب می کند، در یک رژه مذهبی آنها را با خلوص کامل در صف می کند، هر چه خود دارد به آنها الهام می کند. (۴۸) پیروان مکتب قبله، این عمل را ادامه می دهند و این توسعه روز افزون، بالاخره جهان را به سلطنت آن جا تسلیم می کند و همه حزب قبله می شوند. پس سرّ قبله عظیم است. (۴۹) جنگ بی صدا میان کعبه و دربارها درگیر است. هر کدام از یکدیگر می کاهند و به خود می افزایند و جمعیت بشر در تجاذب بین این دو قوه اند. زنجیرهای اجتماعی انسان را به جهنم می کشد و جاذبه

خانه خدا می رهاند. (۵۰) ملتهایی که قبله نداشتند همه در جنگ با اسلام رفتند، ولی اسلام ماند چون قبله داشت: «و جعلنا الکعبه البیت الحرام قیاما للناس» قیام را باید از کعبه بگیرید. قیام صحیح این جاست.

نظارت قبله بر اشجار، حیوانات، نظارت بر ذبیحه، بر مال انسان بی سرپرست و نظارت بر قیام خلق و منطق بلدامین بر بلاد نا امن نیز از مباحث قابل تأمل است.

در ارائه نمای کلی از بحث باید گفت: الگوهای مختلفی برای وحدت اسلامی تاکنون ارائه شده است. یکی از الگوها الگوی تاریخی است که از سوی میرزا خلیل کمره ای مطرح شده است. به نظر وی، وحدت بر اساس الگوگیری از گزارشات تاریخی اسلام امکان پذیر است. این الگو با توجه به اتفاق در اسناد و استناد با اقبال عمومی رو به رو خواهد بود. چون یک الگوی خیالی نیست، بلکه محسوس و واقعی است. او هرچند در راه ارائه الگوی مورد نظر خود با نقادی از محافظه کاریهای تاریخی می گذرد، و از قوه اجتهاد خود به خوبی استفاده می کند، با این حال، نظریه های دیگر را طرح و نقد نکرده است، از جمله مناسب بود به اندیشه های اندیشمند معاصر خود علامه اقبال در حوزه وحدت اشاره می کرد؛ بویژه این که علامه اقبال لاهوری احترام گذاشتن افراطی به تاریخ را قبول ندارد و سازماندهی های افراطی را نتیجه گذشته گرایی می داند و معتقد است این امر مخالف محرک های درونی اسلام خواهد بود. از نظر ایشان اعتصام به حبل الهی دارای دو اثر است: آسیب ناپذیری و مصونیت پیکره اجتماع مسلمانان؛ اخوت و برادری و محبت و صمیمیت. (۵۱)

نتیجه

از الگوهای چهارگانه وحدت اسلامی بحث شد و اثرگذاری و ژرفای هر الگو و نظریه های نظریه پردازانِ نگرانِ استیلای غرب بر جهان اسلام، نموده شد و اندیشه های کارگشای یکی از پایه گذاران الگوی تاریخی وحدت، فرا روی اهل تحقیق و تلاش گران عرصه وحدت اسلامی قرار گرفت. به گمان ما، بر خلاف کژاندیشیها و غفلتها، روحی که چهارده قرن پیش بر ریگستان حجاز وزید و آن صحرای خاموش را به حرکت در آورد، امروزه می تواند جامعه های خفته و خاموش را به حرکت در آورد و مسلمانان را در یک صف قرار دهد و دست استعمار گران را کوتاه سازد.

پی نوشت ها

۱. فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا مدرنیته، ویراسته مایکل پین، ترجمه پیام یزدانجو ۶۲۶ - ۶۲۷، نشر مرکز چاپ دوم ۱۳۸۳.
۲. نقش سید جمال الدین اسد آبادی در بیداری مشرق زمین محمد محیط طباطبایی / ۳۷، انتشارات دارالتبلیغاسلامی، قم ۱۳۵۲.
۳. اتحاد اسلام، ابوالحسن میرزا قاجار (شیخ الرئيس) به کوشش صادق سجادی، نشر تاریخ ایران، تهران ۱۳۶۳ ه. ش
۴. احیای فکر دینی در اسلام، محمد اقبال لاهوری، ترجمه احمد آرام / ۱۷۳، کتاب پایا، تهران، بی تا.
۵. ما و اقبال، مجموعه آثار، دکتر علی شریعتی، ج ۵ / ۱۸۵.

۶. احیای فکر دینی در اسلام / ۱۷۳.
۷. چشم و چراغ مرجعیت، مصاحبه محمد واعظ زاده خراسانی / ۸۴، بوستان کتاب، قم.
۸. همان، مصاحبه مجتبی عراقی / ۱۷۱.
۹. چشم و چراغ مرجعیت، مصاحبه محمد واعظ زاده خراسانی / ۸۵.
۱۰. همان ۲۳۱ - ۲۳۲.
۱۱. چشم و چراغ مرجعیت، مقاله آیت الله بروجردی در بروجرد، نوشته سید جواد علوی / ۳۴۰، با تصرف و تلخیص.
۱۲. همان / ۱۴۱ - ۱۴۵.
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۵ / ۴۹۶.
۱۴. تقریر بحث السید البروجردی، ج ۲ / ۳۸۷.
۱۵. مبانی اجتهادی آیت الله العظمی بروجردی، حسینعلی منتظری، چاپ شده در یادنامه خاتمی / ۱۴۴.
۱۶. چشم و چراغ مرجعیت، برگرفته از مصاحبه لطف الله صافی گلپایگانی / ۱۲۸.
۱۷. همان، برگرفته از مصاحبه آقای جعفر سبحانی / ۱۸۲.
۱۸. شیخ حسین لنگرانی به روایت اسناد ساواک / ۴۶۳، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تهران ۱۳۸۳.

۱۹. حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲/۵۶۹؛ ج ۳/۳۴۹، مرکز بررسی اسناد تاریخی.

۲۰. این نامه در کتاب ارض النبوة جسر عظیم و هی جسر العباد للمعبود، علامه میرزا خلیل کمره ای، مؤتمر العالم الاسلامی ۱۳۸۵ آمده است.

۲۱. نامه ایشان به ملک فیصل ۱۱۹ - ۱۲۰.

۲۲. پیام به کنگره های اسلامی، هند حیدرآباد - لکهنو / ۶ تهران، ۱۳۵۴.

۲۳. فتح بی غرور، میرزا خلیل کمره ای، روزنامه اطلاعات، ۳۰ تیر ۱۳۴۸.

۲۴. ارض النبوة جسر عظیم / ۷۱.

۲۵. همان / ۳۱.

۲۶. روزنامه اطلاعات اول آبان ۱۳۵۹ شماره ۱۶۲۶۹.

۲۷. ارض النبوة جسر عظیم / ۳۲.

۲۸. همان.

۲۹. همان / ۳۴.

۳۰. همان / ۳۶ - ۳۵.

۳۱. همان / ۷۱.

۳۲. همان / ۱۲۱.

۳۳. همان / ۱۲۵.

۳۴. همان / ۳۶.

۳۵. همان.

۳۶. همان / ۲۳.

۳۷. همان / ۸۳.

۳۸. همان / ۸۴.

۳۹. همان / ۸۵.

۴۰. پیام به کنگره های اسلامی - هند / ۷ - ۱۷.

۴۱. همان / ۲۰ - ۲۱.

۴۲. همان / ۸۶.

۴۳. بقره، آیه ۱۳۹.

۴۴. همان / ۱۱۸.

۴۵. همان / ۱۲۶.

۴۶. همان / ۲۶.

۴۷. قبله الاسلام، میزرا خلیل کمره ای، تهران ۱۳۷۶ / ۱۳۳۶؛ ه. ق.

۴۸. همان / ۲۰.

۴۹. همان / ۲۱ - ۲۰.

۵۰. همان / ۲۲.

۵۱. پیام به کنگره های اسلامی - هند / ۷۰.



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED MUSLIMS
اتحاديه بين المللى امت واحدة

اخوت